کتابخانهٔ
لس شورای
اسلامی
۱۸

نسخه اصل

صاحب کتاب (الذریعه) تاریخ نسخه را
ذکر ننموده.

18564
2-9729

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تأسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
18564

نسخه اصل

صاحب کتاب (الذریعه) [illegible] نسخه

دیگر [illegible] نموده .

۱۸۵۶۴
۲-۹۷۲۹

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

خطی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۸۵۶۴

## ازاحة الاوهام

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از حمد تام که تحفه وار مغانی است از جانب انبیاء عظام
به بارگاه ملک علام و درود نامعدود از جانب سنی الجوانب خالق
ودود بر پیغمبر محمود و آل آن برگزیدهٔ معبود که برتر و بالاتر از تمامی
برگزیدگان عالم بوده و هستند و خواهند بود چنین گوید این ذرهٔ
بی مقدار بازاین عبد الآبق تبه روزگار الاحقر العاصی العادی
بالمعاصی المتمادی عبد النبی بن علی بن محمد جعفر الاستراباد جعل
الله عواقب امورهم خیرا من المبادی بجاه محمد وآله الامجاد که این
رساله مسماة است بازاحة الاوهام الناشیة عن مرضی المترضین
الوسواسین المتشککین المتلبسین بلباس علماء الاعلام اعاذنا
الله من هفواتهم الردیه بالنبی وآله خیر الانام بی من باب المقدمه
میگوید در باب عصمت انبیاء و مرسلین تا برسد بائمهٔ طاهرین سلام
الله علیهم اجمعین معرکه آراء عظمی بوده و هست بین اعیان از کلین
و عقلاء دوران در روی زمین ما از همه فعلا در گذریم ملخص مرام

آنکه

انکه از اصول مذهب جعفریستکه پیغمبر باید معصوم باشد یعنی ملکهٔ
داشته باشد که نگاه دارد او را از معصیت و خبط و فراموشی یا انکه بدون
ملکه خدا او را حفظ کند و لو بفرستادن جبرئیل و غیران بنحویکه منصف
احتمال خطا در حق او ندهد و باطمینان انچه از خدا خبر دهد قبول نماید
بنحویکه حجت بر دیگران تمام شود تا اینجا بنظر حقیر واضح است و عقل مستقیم
بران حاکم و تجویز اهل سنه معصیت و خطاء را بجهت محض اصلاح
حال خلفاء است و خفاء در این مسئله در دو مقام است اول انکه
عصمت ایشان در امور رسالت بایستی باشد یا انکه در غیر متعلق رسالت
نیز واجب است انچه از جملهٔ از متاخران رسیده ثانی است و بنای صدر
اول و ظواهر آیات بلکه جملهٔ از اخبار اول است دوم در این فقره
فرقی میان خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله که اشرف پیغمبرانست و سایر
انبیاء ع هست یا از برای ان بزرگوار نیز همین این دو احتمال میرود
و برهان اشرف قائم بر عصمت کلیه برای الجناب نیست حاصل
مفاد ادله در این باب انکه واجبست بر خدا که رسولش را نگاه
دارد از معصیت و خبط و فراموشی در انچه بان رسالت دارد
و الا اگر خطا و عصیان جایز باشد عقلاً اطمینان بصدق اواز
برای اتمام حجت نشده حتی انکه اسهاء را ولو بجهت مصلحتی جایز
ندانسته اند خصوصا در خلق اشرف بنابر تامیت برهان اشرف
لکن در غیر امور رسالت دلیلیکه ذکر کرده اند اثبات عصمت نمیکند

اهل نظر ۲

حتی انکه بعضی تاویلاترا که علم الهدی ره در آیات از راء انبیاء میفرماید
حمل بر اهتمام در مقابله با اهل سنه در اعتراض بر عصمت انبیاء کرده اند
و در واقع مثل آیهٔ و اما ینسینک الشیطان فلا تقعد بعد الذکری مع
القوم الظالمین وآیهٔ سنقرئک فلا تنسی و امثال اینها که در حقیقت
بیک معنی رد ند بر شرکین عصر ما منافی با عصمت نمیدانند بلکه میگویند
سهو و نسیان ذاتی کمال کامل است در تحصیل کمال و انچه ثابت شده محض
عارضیه است و الا لولا المانع ذاتی انسان خطا و نسیانست و مرحوم ملا
لطف الله ره در تفسیر آیهٔ و اذا رأیت الذین یخوضون فی آیاتنا در اول
حزب سیم از جزو هفتم تجویز سهو و نسیان در غیر تاویل احکام الله را
نسبت با مامیه کلیةً داده و تصریح بان در کتب تفسیریه حتی مجمع و
صافی شده شیخ طبرسی میفرماید و اما النسیان والسهو فلم یجوزوهما
علیهم فیما یؤدونه عن الله تعالی فاما ما سواه فقد جوزوا علیهم ان
ینسوه او یسهوا عنه ما لم یؤد ذلک الی اخلال بالعقل و کیف لا یکون
کذلک و قد جوزوا علیهم النوم والاغماء و هما من قبیل السهو بنا بر
این اشکالی نخواهد ماند در حدیثیکه بسند صحیح این بابویه در
فقیه روایت میکند از سعد بن عبد الرحمن که از ثقات است که شنیدیک
از حضرت صادق ع که میفرمود روزی رسول خدا ص نماز عصر را
در دو رکعتی سلام داد بعضی اصحاب عرض کردند یا رسول الله
آیا در نماز قرار تازه داده شد فرمود چه گونه عرض کردند دو رکعت نماز

پس از عمر بن عبد العزیز ذی الشمالین تصدیق خواسته چون او
نیز شهادت داد انجناب دو رکعت دیگر را با سجدهٔ سهو بجا آورد
و صدر اول از علما که قریب العهد با ائمه و اصحاب بودند و لحن
سبک و عقیده از ایشان میشمودند در عصمت انبیاء از مجرد نسیان
مثل بعضی از متاخران نداشتند بلکه از غلو میشمردند بلکه
متاخران از محققان ایشان نیز همین مذاق استشمام میشود و
تحاشی بعضی را حمل بر اتقان مقابله با اهل سنه میکنند حتی آنکه
مرحوم فیض که اصحاب ظاهر در ایشان نظری دارند و صوفیه الخبار
از خود میشمارند از حضرت رضا ع روایت میکنند که قیل له ان
فی سواد الکوفة قوما یزعمون ان النبی صلعم لم یقع علیه السهو فقال کذبوا
لعنهم الله ان الذی لا یسهو هو الله لا اله الا هو وابدا تاملی و اشکالی
در این مطلب نمیفرماید بنحویکه گویا از بدیهیاتست و در این عصر خصوصا
در بعضی بلدان از قبیل طهران و کرمان تحاشی غریبی از امثال اینها حادث
شده گویا از قلت مراوده با اساطین عقاید دین یا مکالمه با شیاطین
ملحدین از قبیل شیخیه و صوفیه یا بعضی از متشرعه که یخوضون فی ما لا یعرفون ناشی شده و انی با مذاق اینها کرفته و الا انچه در کتب قدماء
متاخرین دیده ایم با تفحص هرچه تمام تر در سنین متمادیه و از اساطین
فحول علماء و متبحرین شنیده ایم همین نحو است که بعرض اهل انصاف
و نظر رسید و اجتهاد در عقاید اقتضای متابعت دلیل دارد نه اهواء

و آراء جدیده لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی عن بینة اما انبیا
هم در سهو و نسیان اند واما ذنب و عصیان پس بضرورت ایمان درباره
پیغمبران خصوصا در زمان نبوت جایز نیست و بران اخبار ائمه اطهار
متواتر است اما آنچه درباره آدم ع خداوند عالم میفرماید که عصی آدم ربه
فغوی پس مفسر است بمعصیت بعالم بهشتی و آنچه مضر بعالم
است عصیان بحسب حال دنیا است زیرا که حضرت آدم خلق شده بود
تا حجت زمین و خلیفه در ان باشد نه آسمان شاید مراد این باشد که چون
بهشت عالم استفاضه است معصیت ان مانع از ان باشد و چون دنیا
عالم طاعت است معصیت آن ترک طاعت است و منافی با عصمت
نه اول خصوصا نظر باینکه عصیان عالم تکلیف مخالفت امر است
که عقاب و عتاب بران مترتب است و عصیان عالم مقربان از آنکه
منافی محاسن آداب و مکارم اخلاق که لازم ان بعد از ساحت قرب
وعز خواهد بود این شمه از خروار و اندکی از هزار و کمی از
بسیار در این باب است والا ایرادات و نقض و ابرام درباره انبیا
و مقربان بمقتضای ظواهر آیات قران و اخبار وارده در این
میدان و اجوبه ازان زیاده از شمار است و ما بحمد الله در بعضی از
مؤلفات خود در این باب کشف ارتیاب و رفع حجاب نموده ایم و
الحاصل پس آنچه هست در این باب گفتگو در عصمت انبیاء و
ائمه انام علیهم السلام است و چون دین خاتم انبیاء خاتم ادیان و باقی

و بر قرار است

و بر قرار است تا آخر دنیا و قرآن لذا میگویند معصوم چهارده تن اند و لفظ
امروزه در عصمت ایشان است و لنبی لانهم الحجج والا لاحد برا در غیر ان بزرگان
کلامی و سخنی نیست که غیر معصوم و جایز الخطاء والسهو اند پس اگر کسی گوید
مثلا حضرت عباس یا حضرت علی اکبر معصوم بوده اند خلاف اجماع
بل خلاف ضرورت دین و ایمان بلکه ادیان گفته و رفته حد رسد بسایر
صحابه از قبیل عمار و میثم تمار و زراره عالی مقدار تا چه رسد بعلما
عظام و فقهاء کرام از قبیل مفید و مرتضی و طوسی و خواجه و محقق و
علامه و کرکی و شهیدین و خلیفة السلطان و بهائی و مجلسی و آقای
بهبهانی و صاحب ریاض و بحر العلوم و کاشف الغطاء و میرزای قمی و
حاجی کلباسی و حاجی ملا محمد جعفر استرابادی و آقا محمود طهرانی و حاجی
میرزا مسیح مسجد جمعه و حاجی میرزا موسی همان محله و حاجی ملا علی
کنی و شیخ مرتضی انصاری شوشتری و میرزای شیرازی و حاجی
میرزا حسین طهرانی و حاج شیخ محمد باقر اصفهانی و آقا سید محمد کاظم
یزدی و آقا میرزا محمد تقی شیرازی و حاجی آقا حسین قمی و حاجی
سید اسد الله قزوینی و آقا زاده خراسانی و حاج سید علی
و حاجی میرزا ابو القاسم لواسانی و حاجی شیخ علی اکبر نهاوندی
و حاجی میرزا محمد سرابی و حاجی سید عباس شاهرودی و فاضل
نیشابوری و آقا شیخ حسن پایین خیابانی و حاجی سید علی قوچانی

وآقا شیخ رضا نعلی بحویش و و و و و و و و و و و و و و و و و و و و
و و و و و و و و و و و و و و و و و و و و الی ما شاء الله تا چه رسد
بعدول مؤمنین و شهود ولیکن از قبیل شاهد در امر رؤیت هلال که احدی
از اهل بازار و چقال و بقال و عامی بحت بسیط هم که ادنی شعوری و
وفی الجمله مسائل دینیه گوشش زد او شده باشد هم نخواهد تفوه باین مقاله
بی مغز بی اصل نمود و اگر سخره من باب استهزاء و سخریه باشد فقط خود
مسخره خواهد بود و الا که ادخال ما لیس من الدین فی الدین کرده
و ان اگر بقصد انه من الدین باشد که در حکم مرتدین و محاربین با خاتم
الانبیاء صلعم و ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین است و حکم او در
فقه معلوم فیا لله بی اگر شخص خصوصاً که منتحل بملت اسلام
و از امت خیر الانام و مزکی و متدین بدین و آئین و مذهب و
طریقه ائمه انام و مطلع از خصوصیات احکام چه رسد بآنکه
مقامات علمیه اش هم مسلم بوده باشد مثلاً امثال حضرت مستطاب
ثقة الاسلام حقیقی آقای حاجی شیخ علی اکبر نهاوندی باشد بگوید
ایشان یا امثال ایشان در فلان شب رؤیت هلال کرده اند آیا سزا
وار است و بایستی دانستکه بایستی مسلمین را بوسوسه اندازند و جمله جماعت
از عمر را تضییع نمایند و علی الاتصال بهر فرد فرد که استشهاد و تمسک
بقول فلان یا بهمان کرده اند طلباً لمرضات الشیطان الذی هو عین
الخذلان همی گفت ولی سرود که ای مسلمانان مگر شما آقای حاجی
شیخ را جایز الخطاء و السهو نمیدانید آخر کسی بپرسد از این مقدس

عجب



بلخود حصیر مسجد پاره کرده و جای نماز را از لصاق خود آب کشیده سؤال
کند که تو بچه ملاک این وسوسه و تسویلات را میکنی اگر خشنید فوقه که
بعضی از علماء احیانا کیفیت وضع هلال و درجه را ارتفاعاً و
انخفاضاً و جنوباً و شمالاً استفسار میکنند در غیر مسئله دان و متدینین است
چه رسد بعلماء و مجتهدین که در مقام شهادت برآمده اند ای بیچاره تو سوراخ دعا
گم کرده چرا جلی دیگرت بسوزد اینکه شانی نشد از من بسیار کوچکتر اگر هم
حکم بکنند همانکه اول درجه اجتهاد را نائل شده باشند حق شناختن شهادت ب
رتبه از برای بقال بهار یاد میکنی تا چه رسد بکلینی از علماء که تو یاد بکری العادل
بالله حقد محمد بورزی و الا این کتب فقهیه است که در صوم و هلال ادر قضا
و شهادات نوشته اند بجای انها این وسواسیها را اذن داده اند آلله
اذن لکم ام علی الله تفترون اگر آقا حاجی آقا حسین که متکفل جلی از مخارج و
مصارف زندگانی تراست میشود رؤیت هلال مینمود بهمین تشکیلات و تسولات را
میکردی و یا آنکه آنوقت الراد علیه راد علی الله و هو فی حد الشرک بالله
بود آقای حاجی سید اسد الله که حکم کرد چرا اعتنا بحکم او نکردی و فرار
البته بقدر ارشتها از ایشان در غیاب دیگران که هیچ بجان خود
قسم که اگر مرحوم نبل کوزه فروشی در نجف اشرف شما را وصی نموده بود
چون اولادی نداشت و اموالی داشت در شهادتش که تشکیک نمیکردی
که سهل است حب الشیء ترا وا میداشت که بگوئی کلما تفوه به هو حکم الله
الواقعی باری اعوذ بالله من شرور انفسنا هرچه میخواهم کوتاه شود
قلم از روی اشتعال نیران قلب از دست رفته این آتش را جهت

طغيان وادبر باست والعاقبة للمتقين والله هو الرزاق ذو
القوة المتين شرع في تسويده وتأليفه الاحقر العاصي العادي المعاصي
المتمادي عبد النبي بن علي بن محمد جعفر الاسترابادي
بيمناه القاصرة في اوائل نهار الخميس من ثاني شهر
شوال المكرم من شهور ع ١٣٣ وفرغ
قبيل الغروب من ذلك اليوم
بمنه وكرمه والحمد لله اولاً
وآخراً وظاهراً وباطناً

٦٥٨

[illegible]

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تأسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

۸۵۲

خطی
۱۴